



| |
|-----------------------------------------------|
| تقویم روز و اوقات |
| پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۴ هجری شمسی |
| ۷ شوال ۱۳۴۶ هجری قمری - ۱۰ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی |
| اذان صبح ۵:۰۷ |
| طلوع آفتاب ۶:۰۳ |
| اذان ظهر ۱۱:۴۹ |
| اذان مغرب ۱۷:۲۲ |



email: info@ebtekar.net

WWW.EBTEKAR.NET

آینده به کسی تعلق دارد که می داند چگونه منتظر بنشیند.

یک مثل روسی

چپست خلوت؟ سوز و آرزوست

انجمن دید است و خلوت جستجوست
اقبال لاهوری

| |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| روزنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی، فرهنگی صبح ایران |
| صاحب امتیاز و مدیر مسئول محمد علی وکیلی |
| تهران، خیابان زرتشت غربی، نرسیده به بیمارستان مهر، پلاک ۵۶ تلفن: ۸۸۹۸۶۶۱۰-۸۸۹۸۶۶۱۱-۸۸۹۷۵۷۱۰-۸۸۹۷۵۷۰۹ |
| سازمان شهرستان ها: ۸۸۹۸۶۲۱۲- سازمان توزیع: ۶۶۸۳۹۵۵۸- چاپ: کار و کارگر |

گزارش ویژه

یادبود مصطفی در منزل مهین؛

از ملک مطیعی تا پرستونی همه بودند

حسین سینجللی دینش خیلی هابودند، خیلی ها که دوستشان داریم و باقیلم ها و نمایش هایشان سالهاست زندگی می کنیم. دینش همه شهرت و آوازه شان را خانه گذاشته بودند و همه خالص، خالص، یکدل و صمیمی در کنار هم، به حرفهای هم باتمام وجود گوش می دادند. دینش در خانه ای که جای جایش بوی عشق و تاتار می داد همه کسانیکه در زندگی عشق برایشان اول است جمع بودند. خانه مهین اسکونی، بزرگ بانوی تاتار ایران، کارگردان و بازیگر مترجم برجسته کشور میزبان هالی تاتار و سینما بود. خانه ای که سالها پذیرای اش بیشتر شبیه کلاس و یک سالن کوچک نمایش بود. عکس هایی از نوشین و استانیس لاسکی و زوا و اسکوی... آدم را به جاهای خیلی دور می برد. مهین نیز مانند یار دیرینه به کلاس مصطفی سال هاست که قسمتی از خانه اش را تبدیل به کلاس تاتار کرده و به این طریق حاصل سالها زحمات و تجربه را به جوانان عاشق انتقال می دهد. آری، آنها دور هم جمع شده بودند تا یاری از استادشان که عشق و پشتکار را به ایشان آموخته بود، بکنند. هر چند مهین اسکونی به دلیل بیماری در میان جمع نبود و در بیمارستان بستری بود اما خانه اش بسیار شلوغ بود، بسیار شلوغ. از ملک مطیعی و وحدت تا پرویز پرستونی، شیراندامی و جعفر والی، بیوک مرزانی و حسن مهمانی، رسول نجفیان، سیروس ابراهیم زاده، کاظم هیزوآزاد، حسین خانی بیگ و خیلی از شاگردان دور و آراخر آنهاست که این حقیر نیز به آن مفتخرم و... همه در مجلس یادبودی که در خانه مهین برای مصطفی گرفته شده بود حضور داشتند. دینش رسول نجفیان عزیز (از شاگردان آنهاست) بجز برنامه بود و از شاگردان استاد یکی یکی دعوت می کرد تا کمی از استادشان و خاطرات آنها بگویند. کاظم هیزوآزاد و سیروس ابراهیم زاده و یکی از همکلاسی هایم از جمله سخنرانان این مجلس صمیمی بودند که همگی از استادان دست رفته شان گفتند. از پشتکار و سختیها و مراثت های که استاد در زندگی اش کشیده بود اما هرگز نا امید نشده بود. از این گفتند که چگونه عشق به هنر و مردم باعث می شود که از همه نعمات زندگی بگذری. رسول نجفیان جمله ای از محمود دولت آبادی نقل کرد که ایشان گفته بودند شاید اگر اسکونی نبود من همان شاگرد سلطانی می ماندم و او ابراهیم زاده که از عشق و انرژی منحصر بفر داستان برای تاتار گفت. همه کسانیکه دینش مهمان بودند و سخن می گفتند عقیده داشتند که دکتر مصطفی اسکونی در تاتار ایران جاودان خواهد ماند و همگی برای یاد دیرینه اش که در بیمارستان بود آرزوی سلامتی و طول عمر کردند. روح مصطفی اسکونی شاد و عمر مهین اسکونی طولانی باشد، به امید خدا.

دنیای بلاگرها

اپراتورهای ۱۱۸ و بیگانگان مشکلات اداری

http://www.118tehran.blogfa.com

سیدعلی محقق: نمی دانم باور این پست چهجمله ای و بلاگمی توان به هویت و اهداف این بلاگ پی بردید یا نه اما همیشه از اپراتورهای ۱۱۸ تهران دست به یکی کرده اند و بارها ناله های بیلاگی به میان دغدغه ها، مشکلات و خواسته های خود پرداخته اند. اولین پست این بلاگ گوایز از حرف های من است: مدت ها بود که به چه تا ادره تحت فشار های زیادی بودند خستگی و محدودیت های ناشی از کار دیگه رمقی برایشون نمی گذاشت تا بتوانن حرفی از شرایط کاری بزنند یعنی آموشینی راس ساعت معرفی شد دوستی کاگاشون می نشنند و لحظه ای از خود بیخبرند و چون خوردن آب... نشنند مشغول سرو و کله زدند مردم میشن وقت هم به نظر پایان کار میرسه بیایین و ببینین که چه جوری سابقه فرار کردن از اداره میدن. صحت بحث به نظر من و نظر کاگاشون که تمطیلی مدرسه می خورد، بلاخر تصمیم گرفتیم تاین وبلاگ و راه بندازیم تا هرکی نظر و انتقادی از اداره داره بگه تا بلکه به چشم بیانی یا مگوش شوونی پیدا بشه. شکر که به حال ما کنه. هر چند باید که همه مطالبی که تو روزنامه ها و غیره نوشتیم پیدا نشه که بر اش تره خورد کنه ولی بلاخر ما هم خدایا داریم. بیان خاطر اتان تلخ شیرین اپراتورها در حین کار گلایه از مواضع های گلو بگاده های بیلاگیا کار همگانی برای دستیابی بهتر به شماره های مورد نظر و مهم تر از همه بیان مشکلات کاری و اداری از جمله اصلی ترین بیست های نوشته شده در این وبلاگ می باشد. به این بست نکند کنید: "تو ادره خبرهای مهین دار افتاد می افته مثل اینکه اپراتورهای بیلاگیا دورونی رادان جواب می کنن سالن جدید هم راه اندازی شده نیروهای جدید آفون هم آماده اومدن هستند. از سالن بین الملل هم خبرهایی به گوش می رسه. اپراتورهای کلاس های مثل بندار باید بشن و شیب هزارویکم رادیده بودند و شیوه کارگردانی بیضایی تاریخی نویس را در صحنه تجربه کرده بودند، بار تاشاگر کاری متفاوت از او بودند. این بیلاگیا بیاضی سراغ یک رویکرد دمووریز رفته و این چیزی بود که برای تماشاگر نازکی داشت و فکرمی کنم تجربه خوبی بود هم برای تماشاگران و هم اهالی تاتار. در مورد آدمی که سال ها کار کرده چگونه با یک متن معاصر برخورد می کند. چنین فرصتی باید برای بزرگان دیگر تاتار هم فراهم شود تا تماشاگر حاضر لطمات زیادی به همه می زند. فدااگر این طبقه پیشکسوت تاتار ما و جوانان تر نافاصله تگاتگانی نباشد. ضرر آن قابل جبران نخواهد بود.

چند روز پیش این افتخار را داشتم تا در خدمت نویسنده و کارگردان مطرح تاتار، محمد یعقوبی باشم. محمد یعقوبی متولد ۱۳۴۶ عضو اصلی هیات مدیره کانون نمایشنامه نویسان خانه تاتار ایران و برنده چندین جایزه کارگردانی و نویسندگی در جشنواره های مختلف است. از جمله کارهای پر اثر و ماندگار ایشان می توان به "زمستان ۶۶"، "قص کاغذپاره ها"، "یک دقیقه سکوت" و "آخرین کار ایشان تئاتر اهملک اشاره کرد. ضمن تعویبی در اجرای نمایش های رادیویی نیز بجز خاصی دارد. آنچه در زیر می خوانید حاصل آن گفتگوی صمیمانه در تاتار شهر است که امیدوارم همه استفاده لازم را ببرند.

جناب یعقوبی اگر در شرایطی قرار بگیرد که مجبور باشید یک نمایشنامه کلاسیک خارجی و یک نمایشنامه ایرانی، یکی را برای اجرا انتخاب کنید، کدام را بر میگزینید؟

ببینید سوال شما خیلی کلی است. گفتید بین یک نمایشنامه خارجی و ایرانی، یعنی فارغ از توجه به کیفیت این سوال را درید. به هر حال من کاری را انتخاب می کنم که بیشتر دوستش داشته باشم. ربطی به خارجی بودن یا ایرانی بودن ندارد. به نظر شما علت اینکه اهالی تاتار مخصوصا جوان تراترهای این رشته گرایش کمتری به اجرای کارهای کلاسیک دارند و به قول خودشان کارهای مدرن و پست مدرن را ترجیح می دهند، چیست؟

این را باید از جوانان بپرسید. اما عرض کردم من کاری را انتخاب می کنم که دوستش داشته باشم و امیدوارم هر کسی که وارد حیطه هنر می شود هم همین کار را بکند. اگر قرار باشد کاری را که دوست ندارم انجام دهم خودم شغل ها و کارهای دیگری هم وجود دارد که می تواند برودند سرگه آن کارها. این شغل به نظر من شغلی است که ما مازر عشق و خواست قلبی مان را انتخاب کردیم

به همین دلیل هیچ چیزی جز خواست قلبی ما نباید تعیین کننده انتخاب ما باشد. ضمن آنکار در سوال شما یک نوع ملات و وجود داشت که چرا کارگردان های جوان کارهای کلاسیک را برای اجرا انتخاب نمی کنند و به عبارتی کارهایی که می کنند از سر ناگاهی است. اگر واقعا این طور باشد که شما فکر می کنید و اگر واقعا انتخاب ما به ناخواسته از میل درونی شان نتیجه انتخاب ما است؟

البته به این دلیل این سوال را کردم که می خواستم عرض کنم اینها کلاس های آموزش تاتار دارند. ما فقط می توانیم بگویم که چرا مثلا مرکز هنرهای نمایشی برای اینها کلاس نمی گذارد. یعنی یک نفر باید کلی پول بدهد تا در این کلاس ها را بگیرد. ولی مهم تر از اینها امکان برای تدریس این بزرگان، ایجاد امکان برای اجرای تاتار توسط آنان است. مثلا آقای بیضایی آخرین کارشان که اجرا کردند، همه کسانی که در مورد بیضایی و شیوه اجرایی هم شنیده بودند و کارهایی مثل بندار باید بشن و شیب هزارویکم رادیده بودند و شیوه کارگردانی بیضایی تاریخی نویس را در صحنه تجربه کرده بودند، بار تاشاگر کاری متفاوت از او بودند. این بیلاگیا بیاضی سراغ یک رویکرد دمووریز رفته و این چیزی بود که برای تماشاگر نازکی داشت و فکرمی کنم تجربه خوبی بود هم برای تماشاگران و هم اهالی تاتار.

درست یعنی کارگردان نمی داند چه زمانی کارش اجرائی شود و چه آدم هایی را برای حضور در کارش دعوت کند. کارگردان نمی تواند مثلا بازیگران کارگردان و آگاه لطف کند در این مورد رابطه تامین کند که وسط کار با یک پیشنهاد خیلی جدیدی که به آنها بشود در آن ها نکنند. اگر همین کارگردان بخواد فیلم بسازد تهیه کننده ای وجود دارد که همان اول پیش برداختی به بازیگران

گفتگوی اختصاصی ابتکار با محمد یعقوبی؛

عشق تنها کافی نیست، باید سختی کشید

محمدحسین سینجللی

h.sayanjali@hotmail.com



می دهد یا نه حکایتگر ده روز بعد از کلید خوردن فیلم یون آنها می دهد اما دور تاتار این اتفاق نمی افتد. وقتی یکی بازیگر تاتار که یکی از ارکان اصلی نمایش است یک پیشنهاد سینمایی یا تلویزیونی برده پس این تاتار آسپیدر است. وقتی به کارگردان می گویند نمایش شما از دید پشت اجرا می شود ولی در عمل دو هفته ای از دید پشت بگذرد و هنوز سالن برای تمرین نداشته باشد و او بگویند احتمالا شلوغی ماهه اجرا در دو خوی در این فاصله بازیگر پیش خودش فکر می کند که شاید شهرپور ماه هم کار اجراشون دنبار این به اولین پیشنهاد فیلم جواب مثبت می دهد. نتیجه اینکه تکرار می کنم این تاتار آسیب پذیر است، به خاطر عدم وجود برنامه دقیق زمان اجرا و عدم وجود یک فضای امن اقتصادی.

در حال حاضر در بعضی از کارهای نمایشی تفاوت کشور ما با جاهای دیگر اینست که در آنجا آدم های استثناء در طول زمان همیشه مورد حمایت قرار می گیرند ولی در اینجا تماشاخانه انگار سیستمی وجود دارد که مانع ستاره شدن است و در طول حیات استثنای کمتر از آنان حمایت می شود

کارگردانان برای جذب مخاطب بیشتر از چهره های سینمایی و تلویزیونی استفاده می کنند، آیا به نظر شما استفاده عمومی صرفا دلیلی بر کیفیت نمایش است یا نه؟

ممکن است لزوماً تری بر کیفیت کار نداشته باشد اما من این کار را ممنوم نمی کنم. فکر می کنم به یک کارگردان باید حق داد برای جذب بیشتر مخاطب بازیگران مطرح استفاده کنند. مخصوصا که بیشتر این بازیگران به هر حال سابقه تاتاری هم دارند. باید در زمان دیدن یادداشتی تاتار هستند.

یک سیستم جذب تماشاگر، استفاده از بازیگران مشهور است. چه اشکال دارد؟

باید در زمان دیدن یادداشتی تاتار هستند. یک سیستم جذب تماشاگر، استفاده از بازیگران مشهور است. چه اشکال دارد؟

فرصت دادن بیشتر به نمایش های موفق برای اینکه کار کنند. کاری که بیست و چهار اجرا داشته باشد که قبلا بی تا بوده و این شش تا هم تاتیری باشد. تازه کار دارد تماشاگر پیدا می کند و اجرا شده دار شکل پیدای می کند که گروه و بیلاگیا را تحویل بدهد. ببینید کارهایی در خارج از کشور وجود دارند که هزار شش اجرا می شوند و حتی بیشتر، نمایش هایی ۲۵ سال است که دار اجرا می شود. این یک شرایط ایده آل است. من فکر می کنم اگر بتوانان برای تماشاگران و تماشاگر

بلاخر می پیدای شود و تماشاگر خوب تماشاگر می آورد این به من ثابت شده است. در واقع کاری که با مردم صادق باشد امکان ندارد تماشاگر نداشته باشد. اگر نمایشی تماشاگر ندارد بدینند که افرادی هستند که در هر شرایطی اجرا می شوند و حتی بیشتر، نمایش هایی ۲۵ سال است که دار اجرا می شود. این یک شرایط ایده آل است. من فکر می کنم اگر بتوانان برای تماشاگران و تماشاگر

بلاخر می پیدای شود و تماشاگر خوب تماشاگر می آورد این به من ثابت شده است. در واقع کاری که با مردم صادق باشد امکان ندارد تماشاگر نداشته باشد. اگر نمایشی تماشاگر ندارد بدینند که افرادی هستند که در هر شرایطی اجرا می شوند و حتی بیشتر، نمایش هایی ۲۵ سال است که دار اجرا می شود. این یک شرایط ایده آل است. من فکر می کنم اگر بتوانان برای تماشاگران و تماشاگر

خبرکده

وضعیت جسمانی مهین اسکویی بهتر است

ایران تاتار مهین اسکویی، هنر پیشکسوت تاتار که چندی قبل در بخش اول بیمارستان پاستور بستری شده بود، بهبودی نسبی خود را به دست آورده و به بخش عمومی منتقل می شود. سعیدی مسئول بخش اول بیمارستان پاستور نو در گفت و گو با سایت ایران تاتار، گفت: «خوشبختانه مهین اسکویی قدرت تکلم خود را به دست آورده و اوضاع عمومی ایشان نسبت به گذشته بهتر است اما مابین حال برای MRI استفاده شده اند تا مشخص شود که به مغز ایشان آسیب وارد شده یا خیر».

گشایش قدیمی ترین جشنواره اروپای شرقی

ایستگاه کوتبوس (COTBUS) قدیمی ترین جشنواره بین المللی فیلم اروپای شرقی که هر ساله اوایل ماه نوامبر در کشور آلمان برگزار می شود با حضور جمع کثیری از تهیه کنندگان آثار برگزیده این دوره جشنواره آغاز به کار کرده و تا (۱۳ نوامبر) ۱۱ آبان ماه فعال خواهد بود. بنا به بررسی بخش تحقیق از وب سایت رسمی این جشنواره به آدرس اینترنتی: www.filmfestivalcotbus.de فیلم «کوتبوس» در مدت برگزاری ۱۷ روز و بیش از ۵۰ فیلم داستانی را به نمایش در خواهد آورد. این جشنواره به شکل رقابتی برگزار می شود و در کنار برپایی آن یک بازار فیلم بین المللی فعال است. این رویداد هنری فرهنگی از سال ۱۹۷۵ تأسیس شده است و موضوعات مهم این جشنواره فرهنگ و جامعه امروزی امریکا و انعکاس آنها در فیلم های سینمایی است.

نمایشی بر اساس یک فیلم کوتاه ایتالیایی در تالار قشقایی

ابتکار - سیامک احصایی، نمایشی را بر اساس یک فیلم کوتاه ایتالیایی در تالار قشقایی به روی صحنه می برد. متن این نمایشنامه که هنوز عنوان آن روشن نشده است، توسط حسین برزگر نوشته شده و بازیگران آن آناهیتا، آناهیتا و محمد رضا حسین زاده هستند. داستان این نمایش یک خط است که اگر آن را تعریف کنیم، کل ماجرا برای آناهیتا شانزده ساله می شود بنابراین برای این بازیگر جزئیات داستان از بین نرود. ترجیح می دهم چیزی نگویم. این نمایش بدون کلام است و هر چند بر فرم و تصویر تأکید ندارد اما کاری ز نال است. این نمایش از هفته دوم آذر در تالار قشقایی همزمان با نمایش سرفرطالونی طویی به کارگردانی مهرداد ضیایی به صورت دو اجرایی در تالار قشقایی به روی صحنه می رود.

فیلمنامه نویسان دنیا و جشنواره تخصصی

مهر: نخستین جشنواره اختصاصی فیلمنامه نویسان بین المللی تابستان سال آینده به مدت چهار روز در شهر چلچمتنم بریتانیا برگزار می شود تا نویسندگان غرضه سینما هم برای اولین بار صاحب جشنواره شوند. جشنواره بین المللی فیلمنامه نویسی ابتکار دیویدیلن، رئیس چلچمتنم استودیو، دیوید یونس، مدیران سابق BBC و مدیر عامل فعلی آرتوری فیلمز، است و از سوی نشریه اسکریپت اینترنشنال حمایت مالی می شود. قرار است در نخستین دوره این رویداد بی سابقه سینمایی ماه های سپتامبر معتبر غرضه فیلمنامه نویسی شرکت کنند و بخشی هم به نوشتن فیلمنامه برای بازارهای بین المللی اختصاص داده شده است. بیسین دربار جشنواره فیلمنامه نویسی می گوید: «فیلمنامه، اصلی اساسی و مهم به واقع مهم ترین رکن فیلمسازی است. اما برای ملاقات فیلمنامه نویسان باید یک روایت صحت با بازیگران، کارگردانان و تهیه کنندگان به عنوان کسانی که به تخیل، ایده، نوشته آنها نیاز دارند. مکان های چندانی مناسب تدارک دیده نشده است. چلچمتنم با سابقه برگزارگری یک جشنواره معتبر ادبی و داشتن استودیو فیلمسازی، بهترین مکان برای میزبانی از هنر و حرفه نویسندگان فیلمنامه است.»

باب دیلن، هنوز معترض

ابتکار - باب دیلن که تازه ماه گذشته کنسرت های خود را در نقاط مختلف دنیا آغاز کرده است تا ۲۷ نوامبر کنسرت می دهد. باب دیلن که پیش از این اعلام کرده بود تا مدتی کنسرت برگزار نمی کند، امسال کنسرت های خود را پس از سالها آغاز کرد که با موفقیت فراوانی روبرو شدند. این خواننده که از پیشگامان موسیقی اعتراض محسوب می شود، توانست جمعیت تاتار را برای راهپیمایی فرانسه به کانسبد، او در آخرین مصاحبه اش اعلام کرده است که نوامبر ۲۰۰۵ با او من است و در آن بی شک موفق می شوم. وی در پنجشنبه شنب سوم فنج کرد. باب دیلن این کنسرت و کنسرت دیگری را در فرانسه و در چارچوب یک سفر دوره ای اروپایی که بیست و هفتم نوامبر خاتمه می یابد، اجرا کرده است. باب دیلن که در مرز ۷۰ سالگی به سر می برد در این شنب ۲۵ دقیقه مداوم روی صحنه خواند. در حال حاضر مارتین اسکورسیزی فیلمی را بر اساس زندگی او می سازد.

یونان غمگین شد

ابتکار: «آلکتوس آلکساندر اکیس»، یکی از مشهورترین بازیگران تاتار و سینما سه شنبه در سن ۷۶ سالگی در گذشت. خبر گزارگری آسوشیتد پرس چهارشنبه از آن، یونان گزارش داد که آلکساندر اکیس «یک ماه پیش به سبب ابتلا به سرطان در بیمارستانی در آتن بستری شده بود. آلکساندر اکیس، ۷۰ ساله در آتن چشم به جهان گشود و در مدرسه درام و ایستبه به تئاتر ملی تحصیل کرد. وی در مدت نیم قرن در پیش از «فیلم از جمله «اسلا»، «ساخته امایکل کاکوپانیس» (۱۹۹۵) بازی کرد. «گوستاس کارامانیلیس نخست وزیر یونان، اعلام کرد که «آلکساندر اکیس» در دوران طلایی سینمای یونان «در سال های دهه ۱۹۶۰ نقش عمده ای ایفا کرد. وی گفت: خصوصیات اخلاقی و وجهات وی به عنوان معیاری در حرفه سینما باقی خواهد ماند.